

مادر ایران هیچ ژورنالیست علم ایرانی ای نداریم که توانسته باشد مجوز پخش زنده پرتاب های فضایی را بگیرد. ما هنوز در ابتدای راه هستیم و تا بخواهیم يك برنامه تحلیلی، همه جانبه، موثر و بنا به خواست مردم در حوزه علم داشته باشیم، خیلی نیاز به زمان داریم

بررسی برنامه سازی علمی و ویژگی های یک برنامه علمی خوب با محمد جواد ترابی

اتفاق های علمی!

فوت کوزه گری

به عنوان آخرین ترفند برای تولید يك برنامه علمی خوب، ترابی سراغ همان نکته اول رفت و در مورد انتخاب موضوعات برنامه های علمی پاسخ داد. او معتقد است: «ما در ایران از علایق مردم خبر داریم، می دانیم در موضوعات علمی، چه سوژه ها و بحث هایی مخاطب بیشتری دارد اما چندان به آن توجه نمی کنیم؛ موضوعات پزشکی، نجوم، تنوع زیستی، ابرسازه ها و... از همین دست موارد است که مخاطب زیادی هم دارد اما بیشتر برنامه های علمی تلویزیون ما، موضوعاتی یکسان دارد. به طور مثال در برنامه های علمی ای که در آمریکا و اروپا تهیه می شود، می بینیم که به موضوعات مختلف و متنوعی پرداخته می شود، یکی از همین موضوعات مثلا «ابرسازه ها» هستند که برنامه های متنوعی درباره آنها در شبکه های مختلف تلویزیونی جهان ساخته شده است. حتما توجه به خوراک که مخاطب به آن علاقه یا نیاز دارد، یکی از مهم ترین ویژگی های دیده شدن يك برنامه تلویزیونی است.»

رازهای یک برنامه خوب

همان طور که ترابی گفت در ایران کسی نمی تواند مجوز پخش زنده پرتاب ماهواره را بگیرد و همین نشان می دهد که کار برای برنامه سازان کشورمان چقدر سخت است. اما تنها چالش این گروه از روزنامه نگارها و برنامه سازها در مسائلی مثل پرتاب ماهواره است؟ برای رسیدن به پاسخ این سوال از محمد جواد ترابی در مورد این پرسیدیم که ساخت يك برنامه خوب علمی به چه مباحثی بستگی دارد؟ این برنامه ساز و روزنامه نگار همان اول رفت سراغ انتخاب موضوعات و به ما گفت: «در وهله اول سوژه یابی يك برنامه علمی نباید با دغدغه مردم فاصله داشته باشد، باید بدانیم چه مساله ای ذهن مردم را درگیر کرده است و به همان موضوع بپردازیم، فکر می کنم اگر به این مساله سوژه یابی خوب و به موقع بپردازیم، برنامه های ما حتما دیده خواهد شد.» البته این حرف درست است چون برنامه های علمی موثر مثل موتور جست و جو، چرخ و... نشان می دهند که برنامه های علمی خوب دیده خواهند شد. حتی در شبکه های کم مخاطب تر.

در ادامه این پاسخ، ترابی به ساخت برنامه های متنوع اشاره کرد و ایراد کار را در تولید پر تعداد برنامه های گفت و گو محور دانست. البته در توجیه این مساله این طور گفت: «نکته بعدی این است که ما در برنامه های علمی خودمان به يك فضا عادت کردیم و آن هم برنامه ای گفت و گو محور است که البته این مساله هم بخش زیادی از آن به دلیل کمبود بودجه برنامه هاست. عمده برنامه های علمی ای که با آن مواجه هستیم، مجبور هستند فقط يك کارشناس دعوت کنند و شاید نهایت کاری که انجام داده اند هم مربوط به این است که گفت و گو را چالشی کنند، کمتر پیش می آید برنامه ای با آیتم های متنوع و هیجان انگیز درباره موضوعات علمی ببینیم.»

و سومین نکته؟ ترابی در ادامه می گوید: «تلویزیون برای این که در حوزه تصویر آثر پخش باشد، نیاز دارد از جادوی تصویر هم استفاده کند؛ ما در حوزه پویانمایی و استفاده از سایر جلوه های بصری در حوزه برنامه سازی علمی، ضعف زیادی داریم و متاسفانه اکثر برنامه های علمی تلویزیون تقریبا شبیه هم است.»

این پرونده از «قاب کوچک» هم به این مدل از برنامه های تلویزیونی مربوط است. به همین خاطر در ابتدای پرونده سراغ محمد جواد ترابی، یکی از شاخص ترین روزنامه نگاران علم در ایران رفتیم که ید طولایی هم در تولید برنامه های تلویزیونی و رادیویی دارد. با این روزنامه نگار برجسته که سابقه سردبیری برنامه ها و رسانه های چند رسانه ای مختلف علمی و غیر علمی را دارد و جزو گروه طراحی و راه اندازی برنامه «اتفاق» بوده و سردبیری این برنامه را بر عهده داشته به گفت و گو نشستیم تا از تعریف دقیق «روزنامه نگاری علم» با خبر شویم و در کنارش با او در مورد برنامه های خوب علمی و جزئیات این گونه از تولیدات تلویزیونی گپ بزنیم.

ایران چه می گذرد؟ چقدر از پژوهش های فعلی بر اساس نیاز و مطالبه مردم است؟ محمد جواد ترابی در رابطه با این نکته می گوید: «در فضای علمی کشور، به جز چندین نهاد، عمدتاً این فضا وجود دارد که ما کار پژوهشی خود را انجام می دهیم و نتیجه اش را در صورت لزوم به مردم می گوئیم. در صورتی که در جوامع توسعه یافته آن کسی که در پژوهشگاه است، مردم را تا جای ممکن در جریان تحقیقات و اتفاقاتی که در آزمایشگاه هایش می افتد، قرار می دهد؛ به این علت که بودجه دریافتی آن نهاد، در ارتباط و برآمده از خواست و نیاز و مطالبه گری مردم است. به همین دلیل شما می بینید که يك پرتاب فضایی در خارج از کشور، تمام مردم دنیا را درگیر می کند. اما ما در ایران

برای مردم ایجاد می شود و دست پژوهشگرهای ما خالی است، نکته ای است که پرسشگری آن از مسؤولان، جزوی از وظایف يك روزنامه نگار علم یا همان ژورنالیست علم است. روزنامه نگار علم می رود و مطالعه و بررسی لازم می کند و سپس با مطالبه گری این پاسخگویی را از مسؤولان طلب می کند. به نظر ژورنالیسم علم، ارتباط دو سویه است بین مردم و پژوهشگران؛ به این صورت که مردم بدانند پشت دیوار پژوهشگاه ها و نهادهای علمی چه می گذرد و همچنین پژوهشگرها بتوانند حرف خود را به مردم برسانند. در این میان راس سومی هم قرار داد که دولت و مسؤولانند و نباید از نقش آنها در این فضا غافل شد.»

واسطه گری روزنامه نگارهای علمی به این صورت نیست که فقط وظیفه تفسیر را داشته باشند و به نوعی صحبت هایی که در دانشگاه ها یا محافل علمی گفته می شود را يك سویه بیان کنند، خیر؛ بلکه مطالبه گری مردم نسبت به نهادهایی که در حوزه دانش فعال هستند هم بخشی از این تعریف است

چند وقتی است که اصطلاحی میان اهالی رسانه و تلویزیون مطرح می شود؛ دو کلمه که هر کدام معنی خاص خودشان را دارند و شاید درباره هر کدام از آنها بشود ساعت ها صحبت و بحث کرد؛ «ژورنالیسم علم» یا «روزنامه نگاری علم». حالا فرض کنید این جنس از روزنامه نگاری با برنامه های تلویزیونی هم ترکیب شود و با استفاده از آن بخواهند برنامه علمی در تلویزیون بسازند. در واقع در این مبحث سه کلمه از سه جهان متفاوت دور هم جمع شدند تا گونه خاصی از برنامه تلویزیونی تولید شود که البته سال هاست در کشورهای مختلف جهان از جمله ایران، این مدل برنامه ها تولید می شوند.

روزنامه نگاری علم یعنی چی؟

همین اول کار بهتر است برویم سراغ تعریف روزنامه نگار علم. محمد جواد ترابی قبل از تعریف این واژه توضیح می دهد که ژورنالیسم علم به جای روزنامه نگاری علم از آنجا بیشتر استفاده می شود که کار رسانه گر علمی محدود به مطبوعات و رسانه کاغذی نمی شود. او توضیح می دهد که در ساده ترین تعریف وقتی روزنامه نگار میان مردم و اصحاب دانش و همچنین مسؤولان، واسطه می شود، به آن روزنامه نگار علم یا اصطلاحی که این روزها بیشتر شنیده می شود، یعنی «ژورنالیست علم» می گویند. البته این واسطه گری فقط به معنای تفسیر علم توسط روزنامه نگارها نیست. ترابی معتقد است: «واسطه گری روزنامه نگارهای علمی به این صورت نیست که فقط وظیفه تفسیر را داشته باشند و به نوعی صحبت هایی که در دانشگاه ها یا محافل علمی گفته می شود را يك سویه بیان کنند، خیر؛ بلکه مطالبه گری مردم نسبت به نهادهایی که در حوزه دانش فعال هستند هم بخشی از این تعریف است. به طور مثال زمین لرزه های محسوسی در تهران می آید و رفتار بعدی صفحات تکتونیکی به درستی برآورد نمی شود؛ این موضوع که چرا ما حتی در پایتخت کشور، تعداد حسگر و لرزه سنج مناسب برای بررسی رفتار صفحات تکتونیکی نداریم و با بروز يك یا چند زمین لرزه دلهره بسیاری

مردم و علم

بر اساس این حرف ها مردم و پژوهشگاه ها رابطه مستقیمی دارند و این وسط روزنامه نگارهای علم نقش تسهیل گر و واسطه را انجام می دهند، اما به نظر تان مردم ایران می دانند که در پژوهشگاه های